

## دیدار فرزندان شاهد، اساتید و دانشجویان تربیت مدرس - 13 شهریور / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس امروز ما، مجلس دلنشین و جامعی است؛ از يك طرف، عطر شهادت و فداکاری در راه خدا به وسیله‌ی نوجوانان و فرزندان و نوباوگان شاهد و یادگارهای عزیز شهیدان عالی‌قدر ما؛ و از سوی دیگر، زینت علم و فرهنگ در راه اسلام و در جهت خدمت به انسانیت، با حضور دانشجویان و اساتید دانشگاه تربیت مدرس، که یکی از نقاط امید علم و فرهنگ آینده‌ی کشور است. به همه‌ی شما برادران و خواهران، عزیزان و نورچشمان، خوش آمد عرض می‌کنم؛ بخصوص به آن عزیزانی که از شهرهای دیگر و راههای دور تشریف آورده‌اند؛ و بالاخص به جانبازان عزیزمان، شهیدان زنده‌ی انقلابمان، که محفل امروز ما را منور کرده‌اند.

يك مطلب در باب فرزندان شهدای عالی‌قدرمان عرض کنم. اولاً مسؤولان امور خانواده‌های شهدا و بخصوص مربیان فرزندان شهدا، باید مفتخر و خوشحال باشند که افتخار خدمت به فرزندان شهید به آنها سپرده شده است؛ این کار را با خستگی و ملالت انجام ندهند؛ با شوق و اشتیاق و انگیزه‌ی درونی به این کار بپردازند. تربیت فرزندان شهدا و رساندن آنان به نقطه‌ی مطلوب در تربیت اسلامی و علمی، يك هدف بزرگ است؛ این هدف را با همت بلند و با ایمان وافر و با شوق می‌توان انجام داد؛ هیچ‌کس نباید با اجبار و به عنوان از سر باز کردن به این مطلب مهم بپردازد؛ که البته این‌طور هم نیست.

من در همین‌جا، بعد از تشکر از زحمات مدیران و معلمان محترم این مدارس و مسؤولان فرهنگی، به آنان عرض می‌کنم که هرچه می‌توانند، به این نوجوانان و نوباوگان و عزیزان توجه کنند. قبلها هم عرض کردیم که برای برنامه‌ریزی، متخصصان مسائل روانشناسی و کودک و متخصصان تعلیم و تربیت را مورد استفاده قرار بدهند؛ بخصوص تا آن‌جا که می‌شود، باید روی برنامه‌های اخلاقی این عزیزان تلاش بشود؛ چون دشمن مطمئناً برنامه‌های شومی برای این سرمایه‌ی بزرگ ملی ما خواهد داشت؛ باید مراقب بود.

به خود شما بچه‌های عزیز و نورچشمان هم عرض می‌کنم که پدران شما برای عظمت و عزت این کشور جهاد کردند و از مرگ استقبال نمودند و در راه خدا به شهادت رسیدند. البته پدران شما امروز سرافرازند و ان‌شاءالله در محضر خدا متنعم به نعمتهای الهی و به آنها خوش می‌گذرد. شما جوانان و نوجوانان و پسران و دختران باید هدف‌تان ادامه‌ی راه پدرانتان باشد. آنها در این راه شهید شدند؛ شما ان‌شاءالله زنده بمانید و تلاش کنید و عمری را با عزت در این راه بگذرانید. اسلام به شما نیاز دارد. شما فرزند اسلامید؛ باید سرباز اسلام باشید و در راه اسلام جهاد کنید.

همه باید بدانند که توطئه‌ی دشمن نسبت به انقلاب تمام نشده است. بزرگ و کوچک ما، زن و مرد ما، عالم و جاهل ما، همه باید خود را سرباز مدافع از ارزشهای انقلاب به حساب بیاورند. هر کدام ما هر جا مشغول خدمت هستیم، باید آن‌جا را سنگر بدانیم. اگر اهل جهاد باشیم، هر جا هستیم، سنگر است.

يك نکته‌ی لازم را هم به عزیزانی که در دانشگاه تربیت مدرس مشغول درس خواندن، یا درس گفتن، یا در حال خدمتند، عرض می‌کنم. دانشگاه، نقطه‌ی اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده‌ی آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است.

این فسادی که در دانشگاه فرض می‌کنیم، ممکن است فساد اخلاقی باشد، یا فساد علمی. فساد علمی معنایش این است که در دانشگاه، نه معلم برای درس دادن و یاد دادن دلسوزی کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزی کند. نتیجه، بی‌سواد بار آمدن، بد فهمیدن و نفهمیدن و عدم رشد استعدادهاست. فساد اخلاقی معنایش این است که آن که درس می‌خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقی، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکی است؛ شاید هم گاهی بدتر.

آن عالمی که شریف نباشد، حمیت و غیرت دفاع از کشور و ملت و آرمانها و ارزشهای ملی و دینی خود را نداشته باشد، آن عالمی که دشمن را بر خودی ترجیح بدهد و خود را در اختیار دشمن ملت قرار بدهد، از هر جاهلی بدتر است؛ همان دزدی است که با چراغ به دزدی می‌رود و بیشتر صدمه می‌زند. پس، اصلاح دانشگاه، در درجه‌ی اول اهمیت است.

دیدید که امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) چه قدر راجع به دانشگاه حرف زدند و نکته بیان کردند. در اوایل انقلاب، نسبت به دانشگاه، چه قدر تلاش انجام گرفت و برای اصلاح دانشگاهها، چه قدر از سوی انقلاب و انقلابیون مجاهدت شد. اگر ما امروز شعارهای شش سال قبل و هشت سال قبل را در باب دانشگاهها ندهیم، با این باور است که نیاز به آن شعارها نیست؛ یعنی دانشگاه اصلاح شده است. بعضی از تصمیمهایی که آن روزها در دانشگاهها گرفته می‌شد - درباره‌ی گزینش استاد، گزینش دانشجو، دقت در ورود افراد در جاهای مختلف دانشگاه؛ چه در رده‌های مسؤولیت علمی و غیر علمی، و چه در رده‌های تعلم و دانش‌آموزی - اگر آن دقتها امروز نشود، با اعتماد به این است که کار اصلاح شده و از این مرحله عبور کرده‌ایم. اگر معلوم بشود که از آن مراحل عبور نکرده‌ایم، همان دقتها لازم است و همان سختگیریها ضرورت زمان می‌باشد.

دانشگاه تربیت مدرّس، آن نقطه‌ی امیدی است که عشاق انقلاب و انقلابیون نشسته‌اند، تا بتواند يك مشت معلم و استاد دانشمند عالم عاقل مسلط بر کار تربیت کند و کمکی برای اصلاح دانشگاهها باشد. این کار باید با قوّت و شدت ادامه پیدا کند.

استاد نقش مهمی در دانشگاهها دارد. استاد اگر دارای دین و مسلک دیگری غیر از مسلک دانشجو هم باشد، می‌تواند درس بدهد؛ اما مشروط بر این که نخواهد فضای انقلابی و اسلامی را در دانشگاه متغیر کند. آن استادی که اگر دانشجو در آغاز صحبت، حرف خود را با «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» شروع کند، به او تشر می‌زند؛ آن استادی که اگر دختر دانشجو با حجاب اسلامی و به صورت محجب در مراحل آموزش حضور پیدا کند، به او اهانت می‌کند؛ این استاد مجاز نیست که در دانشگاه حضور داشته باشد. علمی که آن استاد به این دانشگاه خواهد داد، علمی نیست که در خدمت کشور و در جهت ارزشهای مطلوب برای این ملت فداکار به کار بیاید.

اصلاح دانشگاه، يك امر اساسی است. نیروی انسانی در هر کشوری، اساس پیشرفت است. کدام نیروی انسانی پیشرفت را در يك کشور تضمین خواهد کرد؟ نیروی انسانی مؤمن، با وجدان، معتقد به کار و دلسوز؛ والا آن نیروی انسانی‌یی که اعتقاد به کار و دلسوزی ندارد و برای کشور و نظام و ارزشهای مردم و خود مردم هیچ‌گونه اعتنایی قایل نیست، چه کمکی می‌تواند به پیشرفت کشور بکند؟ اینها نکات اساسی است که باید در سیاستگذاری بسیاری از بخشهای عمده‌ی دستگاه ما مورد توجه قرار بگیرد.

ما نیروی انسانی مؤمن و دلسوز می‌خواهیم. اگر دین هم ندارند، اگر به ارزشهای اسلامی هم اعتقاد ندارند، لااقل دلشان بخواهد که برای میهنشان مفید و مؤثر باشند؛ بخواهند این دانشجو با اخلاق صحیح تربیت بشود؛ او را به

سوی فساد اخلاق سوق ندهند ؛ مسأله این است.

دشمنان این انقلاب، از جمله تدابیری که در کنار دزدیدن مغزها و بردن استعدادها و تبلیغات سوء در سراسر عالم و بزرگ جلوه دادن عیبهای کوچک و پوشاندن محاسن بزرگ و درخشندگیها اندیشیده‌اند، یکی هم این است که در محیط علم و روشنفکری و آگاهی و معرفت، بذری ایمانی بپاشند و آن را ترویج بکنند. این، دشمنی با انقلاب و با اسلام است.

امروز استکبار جهانی از ایمان عمیق در هر مردمی، خائف و هراسان است. امروز دستگاه سلطه‌طلب و سلطه‌گر جهانی می‌داند آن چیزی که در مقابل او خواهد ایستاد، انسانهای باایمان و غیور و معتقد به یک سلسله اصول و ارزشها هستند و فقط در مقابل سلطه‌طلبی و زورگویی دستگاه استکبار می‌ایستند. دشمن از اینها می‌ترسد و با آنها مقابله می‌کند.

ملت ما باید بیدار باشد. انقلاب در این دوازده سال، پیشرفتهای بسیاری کرده ؛ خیلی از مشکلات را پشت سر گذاشته و خیلی از میدانها را فتح کرده ؛ اما هنوز مشکلات تمام نشده است. دشمن از دشمنی با اسلام و انقلاب منصرف نشده است. استکبار هنوز با اسلام آشتی نکرده است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که امریکا و دستگاههای سلطه‌طلب عالم، با انقلاب، با اسلام، با ایمان ملت ما و ملت‌های مسلمان آشتی کرده‌اند ؛ آنها آشتی نمی‌کنند ؛ چون می‌دانند که اسلام با آنها آشتی نمی‌کند ؛ چون می‌دانند که انسانهای مؤمن در هر جا که هستند، با ظلم، با زورگویی و با فساد آشتی نمی‌کنند.

استکبار جهانی، معدن و مرکز همه‌ی این مفاسد است. همه، بخصوص دانشجویان، دانشگاهیان، اساتید و مسؤولان دانشگاهها، باید هوشیار باشند. جهت حرکت خود را ضدیت با سلطه‌گران و دشمنی با جهانخواران بگذارید ؛ این است که ما را به ارزشهای اسلامی خواهد رساند.

امیدواریم که خدای متعال به همه‌ی شما برادران و خواهران، در هر مسؤولیتی که هستید، توفیق بدهد و به همه‌ی ما رشد و هدایت لازم را ارزانی کند، تا وظیفه‌ی خودمان را در هر مقطع حساسی بشناسیم و ان شاءالله با اراده‌ی قوی این راه را دنبال کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته